

مناسبات ایران و هلند از دوره صفویه تا زنده

چکیده

یکی از مباحث مهم دوره کوتاه زند و به ویژه دوران حاکمیت کریم خان زند (۱۱۶۳-۱۱۹۳ق) تأثیر شرکتهای تجاری اروپایی بر تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران این دوره است. این شرکتهای و به ویژه شرکتهای هند شرقی انگلیس و هلند که با مرکزیت هندوستان از دوران صفویه فعالیت خود را در ایران شروع کردند، برای به دست آوردن منافع بیشتر با یکدیگر رقابت می کردند؛ گاهی این رقابتها که کمابیش تا دوره های پس از صفویه، افشاریه و زنده ادامه داشت، بر نهادهای سیاسی و اقتصادی ایران تأثیر می گذاشت و در مجموع می توان گفت که به دلیل سهل انگاری دولتمردان هر دوره در بهره برداری درست از این فرصت و ظرفیت، این تأثیر اغلب منفی بود. در این مقاله چگونگی تعامل شرکت هند شرقی هلند با حکومت کریم خان زند و تأثیر عملکرد این شرکت بر تحولات سیاسی و اقتصادی ایران در این دوره بررسی و تحلیل می شود.

کلید واژه: کریم خان زند، کمپانی هند شرقی هلند، تجارت خارجی، خلیج فارس، خارک.

مقدمه

تاریخ ایران پس از نادر و روابط خارجی آن در عهد کریم‌خان زند دارای فراز و نشیب خاصی است که با توجه به کوتاهی دوره حاکمیت خاندان زند و شیوه حکومت کریم‌خان (۱۱۶۳-۱۱۹۳ ق) از ویژگی و اهمیت خاصی برخوردار است. این اهمیت بدان جهت است که سیاست دوره نادرشاه ادامه سیاست شاهان صفوی بود و مناسبات خارجی ایران هرگز از موضع ضعف و سستی نبود و حتی در مبادلات تجاری به نقش و سهم ایران بسیار توجه می‌شد. کریم‌خان با کوشش در جهت حفظ این توازن و ارتباط متقابل منطقی خواهان ادامه روش شاهان صفوی و نادرشاه بود و در دوره حاکمیت خود بیشتر به گسترش روابط سیاسی و تجاری با کمپانیهای غربی توجه کرد و از تعامل و گسترش سطح روابط خود با حکومتهای همجوار مانند روسیه، عثمانی و هندوستان خودداری کرد؛ این کوششها که در نیمه دوم حکومت کریم‌خان انجام شد و تا مدتها بر محوریت دو کمپانی تجاری هند شرقی انگلیس و هلند استوار بود به نتیجه نرسید؛ زیرا در این دوره کشورهای اروپایی مانند دوره صفویه به دلیل ناآرامیهای موجود در مناطق مختلف، نماینده سیاسی در ایران نداشتند و همچنین اوضاع سیاسی ایران را درک نمی‌کردند و بر سر به دست آوردن بازار ایران و حذف رقیبان اروپایی رقابت می‌کردند. در این میان تعامل ایران با کمپانی هند شرقی هلند به دلیل رقابت این کمپانی با کمپانی انگلیسی که از دوره صفویه فعال بود، حساسیتی بسیار داشت که اگر ضعف حکومت مرکزی و کنترل شورش و خودمختاری میرمهنا در خارک نبود این کمپانی می‌توانست جانشین مناسبی برای کمپانی هند شرقی انگلیس در تجارت اروپا با ایران باشد. در این نوشتار مناسبات تجاری ایران و هلند در دوره زندیه و تأثیر این تعامل تجاری بر تحولات سیاسی ایران بررسی می‌شود.

کمپانی هند شرقی هلند از آغاز تأسیس در دوره صفویه

کمپانی هند شرقی هلند در سال ۱۰۲۲ق/ ۱۶۰۲م. با متحد شدن شرکتهای تجاری کوچکی که در خارج از هلند و در شرق فعالیت می‌کردند با دخالت دولت هلند تأسیس شد. شرکت هند شرقی هلند، نخست در جاوه و تنگهٔ مالاکا مستقر شد. در دورهٔ صفویه که ایرانی‌ها و انگلیسی‌ها جزیرهٔ هرمز را از پرتغالی‌ها پس گرفته بودند؛ اولین کشتی آنها به نام ویسب هوزون در سال ۱۶۲۳م. به بندرعباس و خلیج فارس وارد شد. از این نظر سابقهٔ حضور تجاری آنها در ایران به دوران صفویه برمی‌گردد. هلندی‌ها در سال ۱۶۲۶م. در بندرعباس دفتری تأسیس کردند که زیر نظر سورات هند و با نظر مستقیم دفتر کمپانی در جاوه اداره می‌شد.

از همان ابتدا موقعیت و امتیازهایی که کمپانی هند شرقی انگلیس از شاه صفوی در مقابل بازپس‌گیری جزیرهٔ هرمز از پرتغالی‌ها به دست آورده بود؛ نظیر معافیت از پرداخت حق گمرکی و تملک بخشی از درآمد گمرک منطقهٔ خلیج فارس و آزادی تجارت در سراسر ایران، موجب رشک و رقابت کمپانی تازه‌کار هند شرقی هلند شد، اما در سال ۱۰۴۳ق. که پرتغالی‌ها بار دیگر هرمز را تصرف کردند، هلندی‌ها به کمک انگلیسی‌ها شتافتند و این جزیره را با از دست دادن بیست و نه نفر، از پرتغالی‌ها پس گرفتند و پرتغالی‌ها با هشتصد کشته فرار کردند (القاسمی، ص ۲۰).

پس از این همکاری، روابط دو کمپانی به تدریج به تیرگی گرایید؛ زیرا کمپانی انگلیس به دلیل سابقه و موقعیت برتری که در امر تجارت ایران به دست آورده بود از هلندی‌ها خواست تا عوارض گمرکی پرداخت کنند و آنها مخالفت کردند.

کمپانی هلند از همان آغاز مانند کمپانی انگلیس به تجارت ابریشم ایران چشم دوخته و خریدار خوبی برای این کالا بود (فلور، ۱۳۷۱، ص ۱۶). هلندی‌ها به دلیل قدرت مالی بیشتر و بهتر بازرگانان کمپانی هلند، از مقدار ۲۵۰۰ عدل ابریشم موجود در بازار ایران ۱۰۰۰ عدل آن را در برابر ۳۷۳ عدل انگلیسی‌ها خریدار بودند؛ این امر باعث شد ایرانیان، هلندی‌ها را پولدارتر از انگلیسی‌ها به حساب آورند و اهمیتی بیشتر برای آنها قائل شوند.

هلندی‌ها در برابر صدور ابریشم، مقداری شکر از تایوان که تازه مستعمرهٔ آنها شده بود به ایران وارد می‌کردند. با تأسیس کمپانی هند شرقی فرانسه در سال ۱۶۶۴م. و هم پیمانی آن با کمپانی

انگلیسی، آنها برای صدمه زدن به روند تجارت هلندی‌ها از انجام هیچ کاری خودداری نکردند و این نقطه اوج رقابت سه کمپانی اروپایی در عهد صفوی بود. هلندی‌ها با گذشت زمان موفق شدند در رقابت با کمپانی انگلیس، با جلب نظر شاه صفوی در سال ۱۶۲۸م. فرمانی مشابه فرمان انگلیسی‌ها از وی بگیرند که امتیازهایی خاص به آنها می‌داد.

هلندی‌ها موفق شدند با بازرگانان ایرانی که ابریشم را به صورت آزاد و خارج از نظارت حکومت می‌فروختند، معامله کنند. از جمله در سال ۱۶۳۸م. این کار آنها سبب شد حکومت صفوی برای این تخلف که به خرید ۵۹۳/۵ عدل ابریشم از بخش خصوصی منجر شده بود، تقاضای ۱۴۰ هزار گیلدرز غرامت کند و آنها را مجبور کند که مقداری زیاد ابریشم به مبلغ ۵۰ تومان برای هر عدل از حکومت خریداری کنند.

در سال ۱۶۴۴م. که دفتر مرکزی باتاویا، کارل کونستانت یکی از مدیران خود را برای تسهیل امور تجاری کمپانی به ایران فرستاده بود، در دربار ایران او را به فلک بستند و ۳۱۵۰۰ درهم غرامت خواستند؛ چون ایرانی‌ها مدعی بودند هلندی‌ها از امتیاز معافیت گمرکی کاروانهای خود سوءاستفاده کرده و با کشتیهای هلندی کالاهای متعلق به تاجران خصوصی خارجی را حمل کرده‌اند.

دفتر مرکزی کمپانی با فرستادن ناوگانی به خلیج فارس و حمله به قشم در برابر این اهانت واکنش نشان داد، اما پس از دریافت نامه‌ای از شاه صفوی به عملیات خود خاتمه داد.

در سال ۱۶۴۵م. که هلندی‌ها از دربار صفوی مجوز گرفتند تا در هر جای ایران ابریشم بخرند و آن را بدون پرداخت عوارض صادر کنند و سپس هشت کشتی پر از کالاهای آنها به بندرعباس وارد شد، تجارت انگلیسی‌ها با ایران مختل شد تا جایی که ناچار شدند تجارتخانه خود را از بندرعباس به بصره منتقل کنند (همان، ص ۲۶)، اما اوضاع این گونه نماند؛ چراکه انگلیسی‌ها در سال ۱۶۴۷م. موفق شدند تجارت ادویه و فلفل سورات هند را که در ایران بسیار مشتری داشت به انحصار خود در آورند و بازار ادویه را که در اختیار هلندی‌ها بود از دست آنها خارج کنند و ضربه‌ای اساسی و جدی به تجارت هلند وارد آورند.

در ادامه رقابت این دو کمپانی در سال ۱۶۵۳م. در زمان جنگ هلند و انگلیس، هلندی‌ها سه کشتی انگلیسی را در مقابل بندر چارک توقیف کردند و به اعتبار انگلیسی‌ها در نظر ایرانیان

آسیب رساندند. در سال بعد و قبل از انعقاد صلح میان دو کشور، ناوگان هلند با محاصره دریایی خلیج فارس تجارت کمپانی انگلیس را تعطیل کرد؛ به گونه‌ای که روند تجارت ایران با این کمپانی کاملاً متوقف شد. این اقدام هلند در فاصله سالهای ۱۶۵۷ تا ۱۶۹۸ م. سبب شد انگلیس برای حمایت از موقعیت تجاری خود در ایران، کشتیهای جنگی اش را به خلیج فارس بفرستد.

انگلیسی‌ها در این دوره، عرصه تجارت را در اختیار هلندی‌ها گذاشته بودند؛ چون نمی‌توانستند با آنها رقابت کنند، برای نمونه در برابر فرستادن کشتیهای متعدد تجاری هلندی از سورات به ایران، آنها فقط توانستند دو کشتی بفرستند. هلندی‌ها در این دوران در اصفهان و بندرعباس دفتر تجاری داشتند. کمپانی هندشرقی هلند در اواخر دوره صفوی و دوران شاه سلطان حسین صفوی افزون بر خرید ابریشم به تجارت مروارید در بندرهای ایران نیز توجه داشت.

ارتباط سیاسی و تجاری کمپانی هندشرقی هلند با حکومت صفوی تا بدانجا رسید که حکومت صفوی در آخرین روزهای قبل از سقوط به دست افغان‌ها، مبلغ ۸۰۰ هزار گیلدرز از این کمپانی وام گرفت.

با سقوط حکومت صفوی، میزان تجارت هلندی‌ها با ایران کاهش یافت؛ آنها نه تنها قادر نبودند وامهایی را که به حکومت ایران داده بودند از آن مطالبه کنند،* بلکه در اثر فشار حاکمان جدید افغان مجبور شدند باج و خراجهای سنگینی بپردازند؛ پس تصمیم گرفتند فعالیت‌های تجاری خود را در اصفهان تعطیل کنند.

کالاهایی که هلندی‌ها در این دوران وارد ایران می‌کردند عبارت بودند از: لباسهای پنبه‌ای از بنگال و سورات و کوروماندل، قهوه از مخا، قلع از تنگه مالاکا، کافور از ژاپن، مس، برنز لاک و الکل، چینی آلات از چین، شکر از باتاویا و تایوان و بنگال، فلفل از ونگورلا در غرب هند؛ هل، چوب زایان، زنجبیل، لباسهای پشمی، چوب و صندل، عنبر، مرجان، آهن آلات انواع صمغ، فولاد، لباسهای گلداز ویتنامی، عرق سیلان، عاج، جوز و میخک و پوست خشک شده‌ای که در مصرف

*. مطابق اسناد موجود کمپانی هندشرقی هلند، بدهی دولت صفوی به این کمپانی مبلغ ۱۱/۸۵۰/۰۰۰ گیلدرز بود. در اواخر قرن دوازدهم هجری قمری ۱۱/۵ گیلدرز هلندی معادل یک پوند انگلیس ارزش داشت (هر تومان این دوره معادل ۳ پوند و ۷ شیلینگ بود) که البته این ارزش در نوسان بود.

ادویه به کار می‌رفت. آنها از فروش این کالاها که رقمی معادل ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار گلیدرز بود، بسیار سود می‌بردند.

کمپانی هند شرقی هلند در دوران افشاریه

در دوره دوازده ساله حکومت نادری و در سال ۱۱۴۸ تا ۱۱۶۰ ق. انگلیس در امر تجارت بر رقیب خود هلند پیشی گرفت؛ زیرا نادرشاه می‌خواست برای تأسیس ناوگان دریایی در بندرعباس از سورات هند کشتی بخرد.

دلیل دیگر کاهش تجارت هلندی‌ها در دوره نادر آن بود که وی در طول سلطنت کوتاه خود پیوسته درگیر نبرد با عثمانی‌ها (محاصره بصره)، شکست دادن افغان‌ها، حمله به تاتارها، فتح عمان و لشکرکشی‌های متعدد به دهلی بود.

کمپانی هند شرقی انگلیس مایل نبود که نیروی دریایی ایران قدرتمند شود و با این توجیه که کشتیهایش به بازرگانان خصوصی انگلیسی تعلق دارد از فروش کشتی به نادر خودداری می‌کرد و این کشتیها را مناسب ناوگان جنگی نمی‌دانست، اما در چند مورد که عمال نادری از تاجران انگلیسی کشتی خریداری کردند، کمپانی نسبت به این مسئله واکنش نشان داد، با این همه نادر کوتاه آمد و چشم امید به رسیدن کشتیهایی داشت که از سورات خریده و پیشاپیش با فرستادن کالا از ایران به هند، هزینه ساخت آنها را پرداخت کرده بود. هلندی‌ها هم از فروش کشتی به نادر طفره می‌رفتند و بر همین اساس سردار نادر در اصفهان با احضار نمایندگان دفاتر دو کمپانی به آنها اخطار کرد، چنانچه در این مسئله توافق نکنند، حق ندارند از اصفهان خارج شوند؛ آنها هم با زیرکی تصمیم در این باره را به عهده مقامات مافوق خود در هند گذاشتند و از زیر بار مسئولیت آن شانه خالی کردند.

کمپانی هند شرقی هلند در دوران زندیه

یک سال قبل از کشته شدن نادر با وجود شورشهایی که سراسر کشور را فرا گرفته بود و با قتل او در سال ۱۱۶۰ ق. وضعیت بدتر از قبل شد و در تمام کشور ناامنی، شورش، هرج و مرج و

بی‌ثباتی پدید آمد و در نتیجه فعالیت تجاری کمپانی هلند در اصفهان و بندرعباس متوقف شد. افغان‌ها پس از قتل نادر جرأت یافتند و بیشتر نواحی خراسان را تصرف کردند. عرب‌های سواحل جنوبی بنادر و جزایر خلیج فارس نظیر خوارج عمان و اعراب رأس‌الخیمه، قواسم و اعراب هولہ، ساکن بحرین، نیز از این آشوبها استفاده کردند تا بلکه بتوانند برای همیشه به حکومت ایران و نفوذ دیرینه آن بر این مناطق خاتمه دهند. رهبران اعراب سواحل و بنادر شمالی خلیج فارس نیز درگیر نزاعهای داخلی خود شدند.

در همان سال، نیروی دریایی نادرشاه پس از شنیدن خبر قتل او در بوشهر دست به شورش زدند و برخی از کشتیهایی را که نادر با تحمل هزینه‌های سنگین و سختی زیاد خریداری کرده بود، غرق کردند؛ تعدادی از آنها هم سوار بقیه کشتیها شدند و به دریا گریختند (القاسمی، ص ۳۲). شورشیان پس از مدتی کوتاه از حکام عرب منطقه اطاعت کردند و اوضاع خلیج فارس دچار هرج و مرج شد تا جایی که نیروهای عرب رأس‌الخیمه به ملاحظه شاه، دریا بیگی نادر، پیغام دادند که اگر برای تصرف بوشهر به شورشیان دشتستان کمک نکنند، اموال و بستگانش را از بین خواهند برد، او هم به ناچار با آنها هم پیمان شد و سپس بوشهر سقوط کرد.

در عمان نیز عرب‌های مسقط و اطراف آن و دیگر قبایل عرب سواحل جنوبی خلیج فارس شورش کردند و با یکی از فرماندهان حکومت نادری که وظیفه سرکوبی شورش آنها را بر عهده داشت و از سوی والی شیراز عزل شده بود، هم پیمان شدند و بندرعباس را تصرف کردند.

به دلیل شورش اعراب سواحل جنوبی و تصرف بندرعباس که پایگاه اصلی تجارت دوره نادر بود و از بین رفتن ثبات و امنیت کشور که بستر رشد و گسترش تجارت است، تجارت ایران کمابیش به مرز نابودی رسید؛ این وضع تا سال ۱۱۷۳ ق / ۱۷۵۹ م. ادامه داشت؛ اگرچه حتی در دهه آخر حاکمیت نادر نمونه‌هایی از آن مانند شورش میرمهنا و ترمذ شیخ سلمان دیده می‌شد.

در منابع اصلی ایرانی این دوره نظیر گلشن مراد، گیتی گشا و مجمل‌التواریخ بعد نادریه، مطالب شایان توجهی در این زمینه وجود دارد. شاید آخرین گزارشهای نماینده کمپانی هندشرقی انگلیس در بندرعباس به بمبئی در این زمینه جالب توجه باشد:

«به نظر می‌آید که کشور به سرعت رو به نابودی می‌رود و مردانی که قدرت را

در دست دارند هیچ توجهی به مردم خود ندارند. آنها فقط در فکر پاداش دادن به سربازان و افراد خود هستند و نتیجه این امر نابودی تجارت است» (گزارش داگلاس نمایندگی بندرعباس به بمبئی، فوریه سال ۱۷۶۱).

در همین ایام در سال ۱۱۶۴ق / ۱۷۵۰م. انگلیسی‌ها به دلیل ایجاد ناامنی از سوی ملاعلی‌شاه و نصیرخان لاری، بندرعباس را ترک کردند و به یکی از جزایر امن اطراف رفتند؛ نماینده کمپانی هلند که شاهد خروج آنها بود مانند نماینده انگلیس به درخواست ملاعلی‌شاه بمبئی بر اقامت در قشم یا هرمز که تحت نفوذ او بود، جواب منفی داد و تأکید کرد که برای حفظ اموال کمپانی به سرعت به دنبال پارگیری انبارهای خود در کشتیهای کمپانی است.

هنگامی که نماینده کمپانی هلند تصمیم گرفته بود زودتر از انگلیسی‌ها از بندرعباس خارج شود ملاعلی‌شاه به دیدار او رفت و گفت که بندرعباس نه از طرف لار و نه از طرف علی مردان‌خان در شیراز تهدید نمی‌شود و التماس کرد در بندر بماند و از انگلیسی‌ها پیروی نکند، اما نماینده هلند گفت که وی هرگز حاکم خوبی برای بندر نبوده و به منافع هلندی‌ها آسیب فراوان وارد کرده است؛ بر این اساس هلندی‌ها زودتر از انگلیسی‌ها با دو کشتی بندرعباس را به مقصد سورات ترک کردند. انگلیسی‌ها با وجود این ناامنی از بندرعباس خارج نشدند و تا دو سال بعد که از هیئت مدیره دستور گرفتند به هرمز، قشم، هنگام یا هر جزیره امن دیگری منتقل شوند که صلاح می‌دانند، در این بندر باقی ماندند؛ آنها در سال ۱۱۷۰ق / ۱۷۵۶م. در بندر ریگ مستقر شدند.

پس از بازدید داگلاس از بوشهر در سال ۱۱۷۲ق / ۱۷۶۳م. این امر به انتخاب بوشهر منجر شد، جایی که در هفت سال بعد ناچار شدند به دلیل انجام کارهای اشتباهی که سبب رنجش کریم‌خان شد، دفتر خود را در این بندر ترک کنند و به بصره بروند.

همکاری دو کمپانی

روابط دو کمپانی اروپایی همواره بر مبنای رقابت توأم با خصومت و دشمنی نبود، آنهاگاه به دلیل منافع مشترکی که داشتند با یکدیگر متحد می‌شدند. هلندی‌ها در زمستان سال ۱۱۶۵ق / فوریه ۱۷۵۱ به انگلیسی‌ها اعلام کردند که با توجه به اوضاع ایران، می‌خواهند با ورود اولین کشتی

بزرگ خود از بصره که به اروپا می‌رود تمام اموال کمپانی را بار کنند و از بندرعباس خارج شوند. آنها از انگلیسی‌ها درخواست کردند که اجازه دهند مقداری از فلفل و کالاهای دیگر را در دو کشتی انگلیسی شافتس بری و دریک جای دهند تا بی‌درنگ با باری که زده‌اند به سورات بروند. کمپانی انگلیس با توجه به روابط دوستانه دو تجارتخانه با این درخواست موافقت کرد (القاسمی، ص ۴۰). نمونه‌ای دیگر از همکاری دو کمپانی را هنگامی می‌توان دید که درگیریهای ملاعلی شاه و نصیرخان، بندرعباس را به آشوب کشانده بود؛ هلندی‌ها از تعدی ملاعلی شاه شکایت داشتند و انگلیسی‌ها هم هر لحظه در انتظار حمله‌ای از طرف او یا نصیرخان به دفتر و مقر خود بودند؛ پس هلندی‌ها و انگلیسی‌ها تصمیم گرفتند با تشکیل اتحادیه‌ای نظامی و واحد نیروی جنگی در بندرعباس از خود دفاع کنند.

هلندی‌ها در اقدامی دیگر به کشتیهایشان دستور دادند برای پشتیبانی از انگلیسی‌ها در مقابل تهاجم اعراب و ملاعلی شاه در تنگه هرمز بمانند و لنگر بیندازند. با وجود این در شورشهای بعدی که افراد جعفرخان، برادر نصیرخان، به غارت خانه‌های بندرعباس پرداختند، غارتگران غنایم خود را در تجارتخانه هلندی‌ها انبار کردند (همان، ص ۳۹).

تفاوت ساختار اداری دو کمپانی

انگلیسی‌ها نشانه‌های خروج خود را از بندر آشکار کرده بودند، اما در این موارد باید منتظر نظر و تصمیم مقامات خود در بصره، بمبئی و لندن می‌ماندند و به همین دلیل بندرعباس را ترک نکردند و این یکی از موارد مشخص تفاوت ساختار اداری دو کمپانی در این دوران است که در یک مورد هلندی‌ها براساس نظر و جمع‌بندی خود به سرعت تصمیم می‌گیرند و انگلیسی‌ها منتظر دستور و نظر مقامات خود در بمبئی و لندن می‌مانند.

خروج هلندی‌ها از بندرعباس

هلندی‌ها پس از بارگیری کشتیهای خود از بندرعباس خارج شدند و برای تأمین هزینه دو نفر از کارکنان کمپانی (منشی و مترجم) که در بندرعباس مانده بودند تا طلبهای کمپانی را وصول

کنند، فقط مقداری شکر و فلفل باقی گذاشتند. علت خروج هلندی‌ها بی‌ثباتی اوضاع بندرعباس و فقدان ناوگان جنگی هلند در خلیج فارس برای حمایت از آنها در مواقع خطر و اضطراب بود.

نمونه بارز رقابت و اوج دشمنی تجاری و سیاسی کمپانی هلند و انگلیس را می‌توان در همکاری ناوگان دریایی هلند در جریان حمله ناوگان جنگی فرانسه به دفتر کمپانی انگلیس در بندرعباس و تخریب و اشغال آن مشاهده کرد که از پیامدهای جنگهای هفت ساله این دو کشور در اروپا بود.

بنا به گزارش نماینده کمپانی انگلیس در شب دوازدهم اکتبر ۱۷۵۹ چهار کشتی با پرچم هلند وارد بندرعباس شدند که یکی از آنها دارای چهل و چهار قبضه و دیگری دارای بیست و دو قبضه توپ بود؛ این پرچمها بر روی کشتیهای جنگی فرانسوی نصب شده بود.

هنگامی که کشتیهای جنگی فرانسوی مقرر کمپانی انگلیس را به توپ بستند، اعضای کمپانی پس از امضای نامه تسلیم، به تجارتخانه هلندی‌ها پناه بردند که این امر نشان می‌دهد ارتباط این دو کمپانی غربی همیشه بر مدار رقابت نبوده است.

هلندی‌ها پس از بندرعباس به تجارت در بصره توجه کردند؛ هر چند بازار بصره برای آنها کشش بازار بندرهای ایران را نداشت؛ این بندرها از راه خراسان به قندهار و از کرمان به مولتان هم مرتبط می‌شد.

در اوائل سال ۱۱۶۷ ق / فوریه ۱۷۵۳ کتیب هاووزن و پاشای بصره اختلاف پیدا کردند؛ چون پاشا به کتیب هاووزن تهمت زده بود که با یک زن مسلمان رابطه نامشروع داشته است؛ او نیز به دلیل خدشه‌دار شدن حیثیت هلندی‌ها تصمیم گرفت تجارتخانه هلند را در بصره تعطیل کند و به باتاوایا بازگردد، اما پس از مذاکره با میرناصر، پدر میرمهناکه به هلندی‌ها پیشنهاد داده بود در خارک مستقر شوند و با بررسی وضعیت خارک در این جزیره مستقر شد.

با تأیید این محل از سوی فرماندار کل باتاوایا، چند کشتی پر از کالا و مواد ساختمانی برای تأسیس یک قلعه در خارک، به آنجا فرستاده شد. چند ماه بعد دو کشتی دیگر از باتاوایا - جاکارتا وارد خارک شد که پر از اسلحه و مواد غذایی و کالاهای تجاری بودند (همان، ص ۵۷) این امر سبب شد بازرگانان ایرانی و ارمنی به خارک توجه کنند و در آنجا مستقر شوند.

حکومت هلند در مرحله جدید تعامل تجاری خود با ایران، وان درهوست را به عنوان نماینده

رسمی دولت هلند به خارک فرستاد تا در کنار کنیب هاوزن امور را سر و سامان دهد و این امر نشان می‌دهد که هلندی‌ها با وجود سابقه کمتر در تجارت با ایران نسبت به انگلیسی‌ها، در مقطعی خاص به مسائل سیاسی و ایجاد پیمانهای داخلی با حکام محلی بنادر و جزایر ایران توجه داشته‌اند.

کنیب هاوزن و وان درهوست برای جبران شکست نماینده هلندی‌ها در بصره، از میرناصر، حاکم بندر ریگ خواستند برای طلب بدهیهایی که از پاشای بصره داشتند او را زیر فشار قرار دهد، اما شیخ ناصر، حاکم بوشهر که با میرناصر رقابت می‌کرد با استفاده از فرصت به حاکم بصره گفت که هلندی‌ها نیروی دریایی قوی ندارند و پاشا را امیدوار کرد که آنها قادر به بستن دهانه اروندرود به منظور جلوگیری از صادرات خرمای بصره به هند و مسقط نیستند و وی نیز از پرداخت بدهیهای هلندی‌ها خودداری کرد، اما وقتی شنید که آنها در خارک قلعه‌ای می‌سازند در نامه‌ای به میرحسین که به جای پدرش حاکم بندر ریگ شده بود در پرداخت بدهیهایش انعطاف نشان داد؛ زیرا هلندی‌ها همزمان با این کار، دو کشتی را به دهانه رود بصره فرستاده و چند کشتی بصری را توقیف و به خارک برده بودند که یکی از این کشتیها متعلق به شرکت بازرگانی چلبی، تاجر معروف بصره بود که کالاهای با ارزشی را از سورات به بصره حمل می‌کرد.

سرانجام، پس از آنکه در سال ۱۶۹۱ ق / ۱۷۵۵ م. اختلاف مالی بصری‌ها و هلندی‌ها با پرداخت بدهیهای حاکم بصره برطرف شد، هلندی‌ها کشتیهای توقیفی را به بصری‌ها بازگرداندند. همکاری حاکم بصره با هلندی‌ها برای جلب مشارکت تجاری آنان بود؛ زیرا استقرار کمپانی هلند در خارک، سبب تضعیف تجارت بصره شده بود.

حساسیت استقرار هلندی‌ها در خارک، امری نبود که از دید رقابتی انگلیسی‌ها دور بماند. در نامه‌های نماینده کمپانی هند شرقی انگلیس در خارک به بصره در این سال گزارشهایی از رسیدن کشتیهای پر از کالای هلندی به خارک و جزئیات کالاها و قیمت آنها وجود دارد که در مبحث ساختار اداری کمپانی هند شرقی به آنها اشاره شده است.

نقش هلندی‌ها در ایجاد مشکل میان میرمهنا و میرحسین در بندر ریگ

در تابستان سال ۱۶۸۱ ق. میرناصر براساس توافقی که با هلندی‌ها کرده بود، می‌کوشید کشتیهای

خود را برای دفاع از منافع آنها به بصره بفرستد، اما به دست فرزند کوچک ترش میرمهنا به قتل رسید و میرحسین برادر بزرگ تر میرمهنا از ترس آسیب وی به خارک گریخت و میرمهنا حاکم بندرریگ شد. هلندی‌ها در جریان حمله میرحسین از خارک به بندرریگ به او کمک مالی کردند و او توانست به کمک خوانین منطقه، دوباره حاکم بندرریگ شود.

وقتی فرماندار کل هند شرقی هلند از موضوع کمک هلندی‌ها به میرحسین آگاه شد، در نامه‌ای عتاب‌آمیز به نماینده کمپانی هلند نوشت که چرا در درگیریهای حکام محلی دخالت کرده است؛ نماینده، محترمانه به وی پاسخ داد که عالی جناب باید متوجه باشد ما بدون آنکه روابط دوستانه و نزدیکی با بعضی از حکام محلی داشته باشیم، نمی‌توانیم موقعیت خود را در خارک حفظ کنیم و این روابط با دادن هدیه و وعده کمک نظامی می‌تواند حفظ شود؛ ما امیدواریم که با دادن سه بشکه باروت و گلوله بهتر بتوانیم به منافع کمپانی خدمت کنیم تا دادن هدیه‌هایی که حکام دیگر از ما می‌خواهند.

نماینده کمپانی هلند به فرماندار کل هلند گفت که حمایت از میرحسین با دادن یک کشتی و هشت سرباز اروپایی و دو قبضه توپ سه پوندی نه تنها هیچ ضرری نداشته بلکه اعتبار ما را نزد ایرانی‌ها بالا برده و باعث شده است که این یک کشتی و هشت سرباز، کارایی بیشتری از یک نیروی چهار پنج هزار نفری داشته باشند (القاسمی، ص ۵۸).

جدا از مبالغه‌ای که در عبارت پایانی گزارش نماینده کمپانی هلند در خارک وجود دارد، نباید از هرج و مرجی غافل بود که بر اثر فقدان یک حکومت مقتدر مانند نادر در این دوران به چشم می‌خورد. این وضعیت ناپایدار تا بدانجا رسیده بود که میرناصر برای حمله به همسایه خود بصره - که قرن‌ها با بندرهای ایران رابطه سیاسی و تجاری داشت - به فکر هم‌پیمانی با یک کمپانی خارجی افتاد و از سوی دیگر میرحسین، فرزند او به دلیل حمایت نکردن حکومت مرکزی و حداقل حمایت والی شیراز برای بازگشت دوباره‌اش به قدرت، چشم امید به افراد، توپ و باروت هلندی‌ها دوخت و این یکی از مصادیق روشن دخالت کمپانیهای غربی در مسائل داخلی ایران برای رقابت با یکدیگر بود.

رقابت کمپانیهای غربی در تعامل با حاکمان ایرانی

پشتیبانی هلندی‌ها از میرحسین از دید انگلیسی‌ها دور نماند؛ بر این اساس وقتی میرمهناکه پس از فرار از خارک به دست حاکم تنگسیر زندانی شده بود، آزاد شد و به بوشهر رفت، فرانسیس وود، نماینده کمپانی انگلیس در بوشهر و شیخ ناصر، حاکم بوشهر، با او در ملاقاتی مخفیانه مقدمات بازگشتش را به حاکمیت بندر ریگ فراهم کردند. شیخ ناصر در این ملاقات تعهد کرد پانصد نفر را از طرف خوانین دشتستان در اختیار میرمهنا قرار دهد (همان، ص ۵۹).

با انصراف خوانین دشتستان از همکاری با شیخ ناصر و میرمهنا، فرانسیس وود تصمیم گرفت به دلیل وضعیت نامناسب بندر ریگ در بوشهر بماند؛ پس در گزارشی به داگلاس، نماینده کمپانی در بندرعباس، نوشت:

«در چنین زمان حساسی که اقامت در یک شهر بی‌در و پیکر تبعاتی بدنبال دارد ترجیح می‌دهیم تا دریافت دستورهای بعدی شما در این شهر - بوشهر - بمانیم» (گزارش فرانسیس وود به الکساندر داگلاس، ۹ آوریل ۱۷۵۵).

وی در این گزارش یادآوری کرده بود که:

«از زمان مرگ میرناصر بسیاری از تجار ثروتمند ایرانی به بوشهر بازگشته‌اند و

این شهر به صورت بازاری برای تمام کالاهای مناسب ایران درآمد است.»

این امر مقدمات فعالیت دفتر تجاری انگلیس را در بوشهر فراهم آورد. موضع فرانسیس وود با اعتراض و واکنش داگلاس روبه‌رو شد، پس داگلاس در نامه‌ای با تعجب از او سؤال کرد چه امری شما را بر آن داشت تا با شیخ ناصر به توافق برسید و با طعنه از او پرسید:

«آیا شما قانع شده بودید که بندرریگ ویران شده است و رندانه اضافه کرده بود

ما از چنین چیزی اطلاع نداریم» (نامه داگلاس به فرانسیس وود، اول ژوئن ۱۷۵۵).

سرانجام، این سرزنش نتیجه داد و سبب شد فرانسیس وود برای خالی نکردن عرصه رقابت با کمپانی هلند به بندرریگ برود که از قضا با استقبال میرحسین روبه‌رو شد. وی پس از رفتن میرحسین از بندرریگ به شیراز و به نزد کریم‌خان، ماندن در این بندر را مصلحت ندید و از آنجا به بوشهر رفت.

سیاست کریم خان در تشدید رقابت کمپانی هند شرقی انگلیس و هلند

کریم خان پس از قتل میر ناصر، حکام متمرّد محلی از جمله میر مهنا؛ شیخ قائد حیدر، حاکم گناوه؛ شیخ ناصر، حاکم بوشهر و برخی دیگر را به شیراز احضار و اخطار کرد در صورت تکرار این کارها با آنها به شدت برخورد می‌کند و سپس اجازه داد به بوشهر بازگردند؛ اما حاکم بوشهر را در شیراز زندانی کرد؛ فرانسیس وود که شاهد بازنگشتن شیخ ناصر به بوشهر بود، توانست در رقابت با هلندی‌ها برای فعالیت تجاری در بندر ریگ دو فرمان از کریم خان دریافت کند. کریم خان در یکی از این فرمانها به همه حکام منطقه دستور داده بود که هیچ مشکلی برای او ایجاد نکنند. فرانسیس وود با این اقدام انتظار داشت روند تجارت و استقرار بازرگانان ایرانی را در بندر ریگ که با فعالیت هلندی‌ها رونق یافته بود، به سمت این کمپانی در بوشهر جلب کند.

بدین ترتیب رقابت دو کمپانی سبب شد، همزمان دو دفتر تجاری در بندر ریگ به فعالیت بپردازد. استقرار هلندی‌ها در بندر ریگ و نزدیکی آن به خارک و وجود سواحل پر از صدفهای مروارید؛ سبب شد این کمپانی به تدریج به صید مروارید توجه کند.

هلندیان و تحولات بندرعباس

در دوران نادرشاه، کمپانی هند شرقی هلند تجارتخانه‌ای در بندرعباس دایر کرده بود؛ در این زمان ملاعلی شاه، دست نشاندۀ نصیرخان لاری، حاکم بندرعباس بود.

نصیرخان در سال ۱۱۶۷ق. که از بندرعباس به لار باز می‌گشت ملاعلی شاه را به عنوان نایب خود به امارت بندرعباس منصوب کرد. مقارن این جریان، کریم خان با محمدحسن خان قاجار درگیر بود و نصیرخان انتظار شکست او را می‌کشید؛ زیرا می‌دانست اگر وکیل الرعایا بر خان قاجار پیروز شود، به دفع او در لار خواهد شتافت و سپس بندرعباس را از چنگ او درخواهد آورد و درآمدش را از مالیاتی که از نماینده کمپانی هلند در این بندر می‌گرفت، قطع خواهد کرد.

هلندیان در سال ۱۱۷۰ق. به دلیل ناامنیهای موجود در بندرعباس که امکان هرگونه فعالیت تجاری را از آنان گرفته بود، پس از تعطیلی دفتر تجاری خود این بندر را ترک کردند (فلور، ۱۳۷۱، ص ۶۴). همزمان با این تحولات، کریم خان که در صدد سرکوبی ایلات متمرّد کهگیلویه و بهبهان بود

برای رسیدگی به سواحل جنوبی ایران فرصت و نیروی کافی نداشت. وی که شاهد روند تحولات جنوب ایران بود، چند بار از هلندی‌ها مالیات خواست، اما پاسخ مثبتی دریافت نکرد. با روی کار آمدن میرمهنا، اختلاف وی با کمپانی هلند بر سر میزان مالیاتی که کمپانی باید پرداخت می‌کرد، بالاگرفت و کنیب هاوزن به باتاویا فراخوانده شد. وان در هوست نیز که به جای او از بصره به خارک آمده بود، نتوانست در این ماجرا موفق شود؛ پس جای خود را به بوشمان داد (همان، ص ۱۷۱).

باکوشش هلندی‌ها، بازرگانی در جزیره خارک بسیار رونق یافته بود تا جایی که ساکنان آن از صد نفر ماهیگیر، در ده سال پس از تصرف آنجا، به یازده هزار نفر رسید (هدایتی، ۱۳۳۴، ص ۲۵۰). اما بر اثر ناامنیها و راهزنیهای میرمهنا، تجارت در این جزیره، بندرریگ و بنادر دیگر خلیج فارس، متوقف و روند تجارت خارجی ایران مختل شد.

درخواست کمک کریم خان از هلندی‌ها برای سرکوبی میرمهنا

کریم خان به این دلیل که توجه خود را به آرام‌سازی شورش ایلات در عراق و لرستان و... معطوف داشته بود، حتی تا مرحله دوم شکستی که میرمهنا بر هلندی‌ها وارد آورد با او مدارا کرد. نامی اصفهانی در توجیه این رفتار می‌نویسد:

«بندگان ظل‌اللهی در آن یک دو سال اوایل ورود فارس از تنبیه او قطع نظر

فرموده تأملی نمودند که شاید ترک آن حرکات بی‌خردانه کرده روی به خدمتکاری آستانه

خدیوانه آرد» (همو، ۱۳۶۸، ص ۱۶۴).

دفع میرمهنا به این سادگی ممکن نبود، به قول نیبور او نه تنها راههای دریایی را ناامن کرد بلکه چند بار مزاحم کاروانهایی شد که بین بوشهر و شیراز رفت و آمد می‌کردند تا جایی که بازرگانی این دو شهر به حالت تعطیل درآمد (همو، ۱۳۵۴، ص ۳۹؛ غفاری کاشانی، ۱۳۶۲، ص ۲۷۶).

گزارشهای هلندیان، نیز شاهد این مدعا است:

«وضع سرزمینهای ساحلی چنان ناامن بود که ساحل‌نشینان از ترس جان شبها در

تاقها می‌ماندند و چون بامدادان مطمئن می‌شدند که خطری در کار نیست، دوباره به

خانه‌های خود بازمی‌گشتند» (فلور، ۱۳۷۱، ص ۱۱۰).

شاید این افراد از طرفداران میرمهنا بودند که این‌گونه خود را از تعقیب سپاه زند مصون نگاه می‌داشتند. افزون بر این، میرمهنا با اینکه دست‌نشانده کریم‌خان بود، به او مالیات پرداخت نمی‌کرد (نیبور، ۱۳۵۴، ص ۱۷۳).

نامنی که میرمهنا در دریا ایجاد کرده بود سبب رکود تجارت خارجی ایران شد، تا آن حد که وقتی نیبور می‌خواست از بوشهر به سفر خود ادامه دهد، نتوانست یک کشتی بیابد؛ چون کشتیهای بوشهر به سبب وحشت از جالیبوتهای (قایقهای پارویی) میرمهنا کار نمی‌کردند (همان، ص ۱۶۹). با این اوضاع، کریم‌خان که نسبت به تجارت خارجی و امنیت سواحل و بنادر ایران از خود حساسیت نشان می‌داد، ناچار شد با فرستادن لشکری به سرداری زکی‌خان، غائله میرمهنا را پایان دهد و این در حالی بود که از کشورهای فرانسه و انگلیس برای دفع میرمهنا، در ازای واگذاری امتیاز انحصاری تجارت خارک، کمک خواسته بود.

بارد این درخواست از سوی دو کمپانی، کریم‌خان به هلندی‌ها پیشنهاد کرد به دلیل ضعف نیروی دریایی ایران و اینکه افراد میرمهنا به محض تهاجم نیروهای وکیل، از خشکی به دریا فرار می‌کنند و از دسترس و تعقیب سپاه زند خارج می‌شوند، سپاه وی را با فرستادن کشتیهای جنگی خود کمک کنند تا آنها بتوانند در دریا با میرمهناهای یاغی مقابله کنند؛ اما هلندیان به سرپرستی بوشمان در جنگ بین این دو، بی‌طرف ماندند.

کریم‌خان برای جلب نظر بوشمان، بارون سرکیس، کلانتر ارامنه اصفهان، را با نامه‌هایی به خارک فرستاد و از هلندیان کمک دریایی خواست و با اینکه تهدید کرد اگر هلندیان به درخواستهای وی پاسخ مثبت ندهند، دیگر به آنان اجازه نخواهد داد کالایی به ایران وارد کنند و رفت و آمد بازرگانان هلندی نیز به خارک قدغن خواهد شد (فلور، ۱۳۷۱، ص ۱۱۴)، بوشمان بی‌طرفی خود را همچنان حفظ کرد.

مفاد نامه کریم‌خان شامل موارد زیر بود:

۱. هلندیان، سپاه زند را در حمله به میرمهنا کمک کنند تا هنگامی که میرمهنا می‌خواهد به دریا بگریزد، آنان به کمک شیخ ناصر، حاکم بوشهر، او را دستگیر کنند. بوشمان با این استدلال که

کشتیهای هلند جنگی نیستند و تدافعی اند، از کمک به سپاه زند طفره رفت.

۲. چون خارک متعلق به ایران است، کمپانی هلند باید از این پس در معاملات خود، ۵٪ حقوق گمرکی به حکومت ایران پردازد و بدهیهای گذشته را که به دلیل ضعف نظارت حکومت مرکزی ایران پرداخت نکرده است، اکنون پرداخت کند.

۳. آرامنه مستقر در خارک به اصفهان منتقل شوند.

احتمال می رود کریم خان فقط خواستار کمک دریایی و مالیات بوده و سرکیس از سوی خود، مفاد بند سوم را به بوشمان گفته است؛ چون پاسخ بوشمان این بود که:

«در مورد خروج آرامنه از خارک به اصفهان تصمیم با خود آنان است و در

ضمن تا زمانی که مکتوبی از سوی وکیل در این مورد ارائه ندهی حق مداخله نداری»

(همان، ص ۱۱۱).

تقاضای پناهندگی میرمهنا از هلندیان

در این هنگام، میرمهنا که بر اثر فشار سپاه زند به سرداری امیرگونه خان، به خارکو فرار کرده و بنا به نقل نیبور، آذوقه اش رو به اتمام بود، از هلندیها تقاضا کرد در خارک پناهنده شود؛ زیرا خارکو برای او فقط شترزاری کوچک بود که در آن حتی نمی توانست دامهایش را نگهداری کند. بوشمان به دلیل کمی آذوقه موجود در خارک، عذر میرمهنا را خواست. اعضای کمپانی هلند به بوشمان اعتراض کردند که چرا اجازه داده میرمهنا و خانواده اش در خارکو بمانند؛ زیرا خارکو هم تحت حاکمیت هلند است و او با این کار به دشمن وکیل کمک کرده است (نیبور، ۱۳۵۴، ص ۱۷۵). در این زمان، انگلیسی ها که چشم طمع به خارک داشتند، کوشیدند با جلب نظر شیخ ناصر، حاکم بوشهر، در این بندر استحقاقاتی بسازند، اما بوشمان در نامه ای، کریم خان را از عواقب کار انگلیسی ها، با بیان طرز رفتار آنان در بنگال، آگاه ساخت و در او حساسیت ایجاد کرد (فلور، ۱۳۷۱، ص ۱۰۶). از سویی میرمهنا، که به خارکو پناهنده شده بود، برای احشام خود به آب شیرین و مراتع خارک احتیاج داشت و از سوی دیگر کریم خان نیز برای تعقیب میرمهنا هنگامی که از خارکو به دریا می گریخت به کشتیها و ناوگان هلند نیازمند بود؛ این وضعیت برای هلندیها بسیار شکننده بود.

حمله میرمهنا به خارک

کریم خان در نامه‌ای به هوتینگ نوشته بود که اگر به وی کمک نکنند، ضمن منع مردمان خود از داد و ستد با هلندیان، آنان را دشمن تصور خواهد کرد. هوتینگ پس از دریافت اخطار کریم خان، چون می‌ترسید دفتر بازرگانی هلند در بوشهر تعطیل شود، به ناچار بی‌طرفی خود را شکست و به کمک ناوگان شیخ سعدون، حاکم بوشهر، شتافت.

کریم خان پس از دریافت نامه گله‌آمیز هوتینگ درباره خسارت‌هایی که در این کمک‌رسانی متحمل شده بود، در نامه‌ای به او قول داد نیروی بیشتری به بندر ریگ بفرستد و نوشت:

«من این ننگ را که به هلندیان وارد شده تلافی کرده و همه زیانهای را که

دیده‌اید جبران خواهم کرد و به همین منظور نماینده ویژه خود قائد حیدر را نزد شما

می‌فرستم.» (همان، ص ۱۰۷)

هنگامی که کریم خان سپاه چهار هزار نفری خود را براساس قولی که به هوتینگ داده بود، به سرداری امیرگونه خان به گناوه فرستاد، آنان به سرزمینهای میرمهنا در ساحل تاختند و قلعه گناوه را تسخیر کردند اما پس از تسخیر گناوه بی‌آنکه کار دیگری انجام دهند به شیراز بازگشتند؛ زیرا نمی‌توانستند میرمهنا را در دریا تعقیب کنند.

میرمهنا پس از این با حيله‌ای از شمار هلندیان ساکن در جزیره خارک آگاه شد و پس از محاصره، این جزیره را تصرف کرد و همه هلندیان مستقر در قلعه را به اسارت گرفت و اموال و دارایی‌شان را مصادره کرد.

نامی اصفهانی در تاریخ گیتی‌گشا، می‌نویسد هلندیان بر اثر کارها و تهاجم غافلگیرانه میرمهنا، پس از اینکه قلعه خود را با همه اموال از دست دادند، چند روز هم زندانی شدند؛ سرانجام: «خاک مذلت بر سر و آب حسرت در دیده و آتش غم در دل از قلعه بیرون شتافته سر به دایره انقیاد نهادند» (همو، ۱۳۶۸، ص ۱۶۴).

نیبور، که در زمان حمله میرمهنا به خارک در این منطقه حضور داشت، در سفرنامه‌اش به تفصیل درگیریهای هلندیان با میرمهنا را به صورت روزانه شرح می‌دهد. وی علت شکست هلندیان را با وجود اینکه برای محافظت قلعه تعداد ۹۰ تا ۱۰۰ نفر نگهبان گذاشته بودند و از سوی دیگر

۴۰ تا ۵۰ ملوان اروپایی در کلابیطهای آنان خدمت می‌کردند، نداشتن یک رهبر نظامی می‌داند چون تنها افسر هلندی‌ها مدتی قبل مرده بود (همو، ۱۳۵۴، ص ۱۸۵).

هلندیان پس از شکست از میرمهنا با خفت و خواری از خارک اخراج شدند؛ آنها بعدها در گزارشهای خود با تلخی نوشتند:

«تنها هنر ما این بود که لخت از خارک بیرون نیامدیم چه میرمهنا حتی اجازه نداد

بایگانیهای کمپانی از قلعه خارج شود» (فلور، ۱۳۷۱، ص ۱۳۵).

هوتینگ، که طعم تلخ این شکست را چشیده بود، در نامه‌ای به کریم‌خان نوشت:

«به سبب عدم یاری شما واک در این نبرد زیانهای فاحش دید، نبردی که مربوط

به شما بود و واک تنها به تحریک شما در آن درگیر شده بود» (همان، ص ۱۱۱).

درخواست کمک هلندی‌ها از انگلیسی‌ها برای مقابله با میرمهنا

هوتینگ قبل از این واقعه ناچار شد برای حفظ خارک از تعرض میرمهنا، از ناوگان انگلیس در بصره کمک بخواهد، اما از آنان نیز پاسخی دریافت نکرد، چون ناوگان انگلیس در بصره اجازه جنگ علیه میرمهنا را نداشت (همان، ص ۱۳۷). از سویی رفتار میرمهنا، رضایت آنان را فراهم می‌کرد؛ زیرا از مدتها پیش به خارک چشم طمع دوخته بودند.

با این رخدادها، کمپانی هند شرقی هلند دیگر مایل نبود به بازرگانی خود در خلیج فارس ادامه بدهد؛ در سال ۱۸۷ ق. که ایتون، تایپ کتسول هلند در بصره، به شیراز رفت و با کریم‌خان دیدار کرد، وکیل که از انگلیسی‌ها به دلیل کمک نکردن به او در ماجرای میرمهنا، دل خوشی نداشت، به وی قول داد اگر هلندی‌ها دوباره در خارک اقامت کنند، اموالشان را پس خواهد داد (همان، ص ۱۵۰)، اما این امر محقق نشد و هلندی‌ها در اواخر دوران کریم‌خان تجارت خود را با ایران متوقف و بنادر کشور را ترک کردند (اولیویه، ۱۳۷۱، ص ۲۷۲).

واردات ایران از هلند

کالاهای وارداتی کمپانی هلند به ایران، پارچه‌هایی پشمی بود که به دلیل ارزان بودن،

خریدارانی بسیار داشت.

دیگر کالاهای وارداتی هلند به ایران در این دوره عبارتند از:

۱. شکر؛ براساس گزارش کمپانی هند هلند، بازرگانان ایرانی ۳۵٪ کل محصول شکر باتاویا

را پیش خرید کرده بودند (فلور، ۱۳۷۱، ص ۱۶۱-۱۷۲).

۲. ادویه؛ که پس از شکر مقام دوم را در خریدهای ایران داشت.

۳. قلع، تا پایان کار هلندیان در جزیره خارک از جمله کالاهای مهمی بود که در فهرست

واردات هلندی‌ها باقی ماند.

۴. قماش نخی و کالاهای پشمی نیز از جمله کالاهایی بودند که بازرگانان کمپانی هلند به

بندرعباس وارد می‌کردند (همان، ص ۲۰۸).

صادرات ایران به هلند

براساس آنچه از گزارشهای هلندی‌ها به دست می‌آید، صادرات ایران به هلند بسیار جزئی

و شامل موارد زیر بوده است:

۱. هلندی‌ها نوشته‌اند که کالاهای انگشت شماری را نظیر اکسید سولفور (اکسید قرمز)،

سنگ نمک و خاک سرخ که بهای چندانی هم نداشتند، به دلیل رعایت تبادل کالا طبق قراردادشان با

ایران، از بندرعباس صادر می‌کردند؛ البته یکی دیگر از دلائل صدور این کالاها آن بود که کشتیهای

هلندی که به اندونزی بازمی‌گشتند، خالی بودند و با این محموله‌های سنگین در دریا راحت‌تر

حرکت می‌کردند! هر چند در اسناد هلندی‌ها آمده که از نمک و خاک سرخ ایران در باتاویا هم به

خوبی استفاده می‌شده است (همان، ص ۱۸۴).

۲. پشم کرمان نیز از کالاهای صادراتی به هلند بود (همان، ص ۲۱۰).

۳. خرماي ایران نیز به باتاویا صادر می‌شد که چنانچه در سورات یا ملیبار فروخته می‌شد،

صد تا دویست درصد سود دربرداشت.

۴. مروارید و سنگهای قیمتی از دیگر کالاهای صادراتی ایران بود که صدور آنها برای

کمپانی هلند دست‌کم ۵۰٪ سود داشت (همان، ص ۱۸۴).

۵. روناس و انگور نیز جزو صادرات ایران بود (همان، ص ۲۱۳).

بعدها یعقوب موسل، فرماندار کل کمپانی هلند در جا کارتا، گفته بود:

«ایران در دوره‌های ترقی خود کشوری سودآور است. زیرا انسان می‌تواند

دست‌کم ۳۰ هزار پوند میخک (ادویه) و ده هزار پوند جوز هندی (ادویه) و یک میلیون

پوند شکر و ده هزار پوند قلع و کالاهای دیگر از جمله قماش را در آنجا به فروش برساند

و جمع کل این کالاها ۲۰۰ هزار فلورین هلند سود دارد» (همان، ص ۱۵۱).

نتیجه

با وجود آمادگی و استقبال حکومت زند از توسعه و گسترش سطح تعامل تجاری و سیاسی با کمپانیهای هند شرقی هلند، فرانسه و انگلیس و برتری این تعامل بر همکاریهای منطقه‌ای و همسایگان ایران دوره زند، شورش میرمهدا در سواحل و جزایر خلیج فارس و فقدان نیروی دریایی قدرتمندی که بتواند شورش وی را سرکوب کند و همچنین رقابت کمپانی هند شرقی انگلیس با کمپانی هلند در به دست آوردن بازار ایران سبب شد که میرمهدا هلندی‌ها را از خارک اخراج کند و به حضور آنان در صحنه تجارت با ایران برای همیشه خاتمه دهد به گونه‌ای که هلندی‌ها پس از سرکوبی میرمهدا هرگز به تجارت با ایران علاقه‌ای نشان ندادند و تعامل تجاری با بنادر و جزایر جنوبی خلیج فارس را جانشین تجارت با بنادر سواحل شمالی خلیج فارس کردند.

کتابنامه

۱. القاسمی، سلطان بن محمد، *بازرگانی و جنگ قدرتها در خلیج فارس*، برگردان: محمدباقر ونوقی، در دست انتشار.
۲. اولیویه، *سفرنامه اولیویه*، برگردان: محمدطاهر میرزا، تصحیح دکتر غلامرضا ورهرام، ج ۱، تهران: روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۱.
۳. غفاری کاشانی، ابوالحسن، *گلشن مراد*، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، ج ۱، تهران: زرین، ۱۳۶۲.
۴. فلور، ویلم، *اختلاف تجاری ایران و هلند*، برگردان: دکتر ابوالقاسم سری، ج ۱، تهران، ۱۳۷۱.
۵. ———، *هلندیان در جزیره خارک*، برگردان: دکتر ابوالقاسم سری، تهران: توس، ۱۳۷۱.
۶. نامی اصفهانی، میرزا محمد صادق، *تاریخ گیتی گشا با دو ذیل آن*، مقدمه سعید نفیسی، ج ۴، تهران: اقبال، ۱۳۶۸.
۷. نیبور، کاریستین، *سفرنامه نیبور*، برگردان: پرویز رجیبی، ج ۱، تهران: توکا، ۱۳۵۴.
۸. هدایتی، هادی، *تاریخ زندیه*، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۴.

- *The persian Gulf Precis*, Vol. 1. calcutta, 1908, Avcey edition 1986.